

درس دوم

تعریف منطق: **آلَةُ قَانُونِيَّةٌ تَعْصِمُ مُرَاعَاتِهَا الذَّهْنَ عَنِ الْخَطَا فِي الْفِكْرِ**

فایده علم منطق: مصون ماندن ذهن از خطای در تفکر

تعریف فکر: **تَرْتِيبُ امُورٍ مَعْلُومَةٍ لِتَحْصِيلِ امْرِ مَجْهُولٍ**

تعریف دیگر فکر: تلاش ذهن برای تبدیل کردن مجهولات به معلومات (افزودن معلومات و کاهش مجهولات

چگونه می شود که ما در عمل خطا می کنیم؟

• مقدمات اشتباه

• مقدمات صحیح و شکل بندی اشتباه

۱- منطق صوری: آن بخش از منطق که عهده دار خطاسنجی در قلمرو صورت و فکر
است چه در عرصه تعریف و چه در عرصه استدلال. } منطق بر دو قسم است
۲- منطق مادی: آن بخش از منطق که عهده دار سنجش خطا در قلمرو ماده فکر است.

۱- تعریف } موضوع علم منطق
۲- استدلال

موضوع چیست؟ منطقیون موضوع را اینگونه تعریف کرده اند: **مَوْضُوعٌ كُلُّ عِلْمٍ هُوَ مَا يُبْحَثُ فِيهِ عَنِ الْعَوَارِضِ**

الذَّائِيَّةُ

آیا نیاز است هر علمی موضوع داشته باشد؟ بله

۱- انتخاب معلومات صحیح و مناسب } شروط تبدیل مجهول به معلوم
۲- صورت بندی صحیح معلومات

۱- ارائه تعریف } چگونگی تبدیل مجهول به معلوم
۲- ارائه استدلال

درس چهارم

- علم منطق
- ۱- تصورات
 - ۱- بدیهی (ضروری): نیاز به فکر کردن ندارد.
 - ۲- اکتسابی (نظری): نیاز به فکر کردن دارد.
 - ۲- تصدیقات
 - ۱- بدیهی (ضروری): نیاز به فکر کردن ندارد.
 - ۲- اکتسابی (نظری): نیاز به فکر کردن دارد.

تصوّر: مفاهیمی که در ذهن وجود دارد بدون حکم و قضاوت.

تصدیق: مفاهیمی که در ذهن وجود دارد همراه با حکم و قضاوت.

علم: الْعِلْمُ هُوَ صُورَةٌ حَاصِلَةٌ مِنَ الشَّيْءِ عِنْدَ الْعَقْلِ. « ادراک عبارت است از صورتی که از یک شیء در نزد ذهن پدید می آید».

نکته: غالب مفاهیم امر، نهی، تعجب و استفهام تصدیق ندارد.

درس چهارم (منطق منتظری)

لفظ: صداهایی که از دهان انسان خارج می شود برای رساندن معنی.

نکته: همه علوم در قالب لفظ است.

فایده لفظ: انتقال مفاهیم ذهنی به دیگران.

نکته: لفظ و معنی با یکدیگر ارتباط دارند و اگر بی ارتباط باشند باعث لختی و عریانی لفظ می شود.

- الفاظ
- ۱- در قالب تعریف: به کمک الفاظ چیزی را تعریف می کنیم.
 - ۲- در قالب استدلال: به کمک الفاظ استدلال را بر زبان می آوریم.

- ۱- احکام خاص: منحصر به علم خاصی است. مثال: در علم نحو قواعد نحوی را به کار می برند.
- ۲- احکام عام: همه علوم را در بر می گیرد. مثال: قواعد علم منطق که در تمام علوم به کار می رود.
- احکام لفظ

نکته: احکام خاص سبب تمایز علوم از یکدیگر می شود.

دلالت

تعریف: حالتی که وقتی ذهن ما به آن علم پیدا کرد بلافاصله به امر دیگری منتقل می شود.

مثال: وجود دود = وجود آتش
 دال مدلول

- ۱- عقلی: دلالتی است که منشأ آن عقل می باشد.
- ۲- طبیعی: دلالتی است که عامل آن حالت طبیعی یا روانی است.
- ۳- وضعی: رابطه حکایت
- ۱- لفظی: انسان سخن می گوید و با لفظ منظور خود را می رساند.
- ۲- غیر لفظی: اشاراتی که انسان به وسیله آن معنایی را می رساند.
- گرمی دارد و مبتنی بر قرارداد
- اقسام دلالت

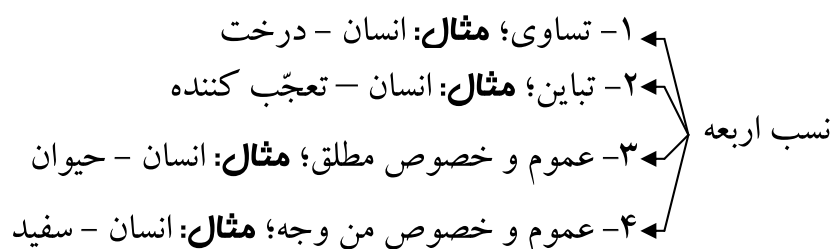
- ۱- دلالت مطابقی: دلالتی که لفظ بر تمامی اجزا خود دلالت می کند.
- ۲- دلالت تضمینی: دلالتی که لفظ بر جزئی از معنای خود دلالت می کند.
- ۳- دلالت التزامی: دلالتی که لفظ بر لازم معنای خود دلالت می کند.
- اقسام دلالت وضعیه لفظیه

درس پنجم

کلی: مفهومی است که قابل انطباق بر افراد کثیر می باشد. **مثال:** انسان

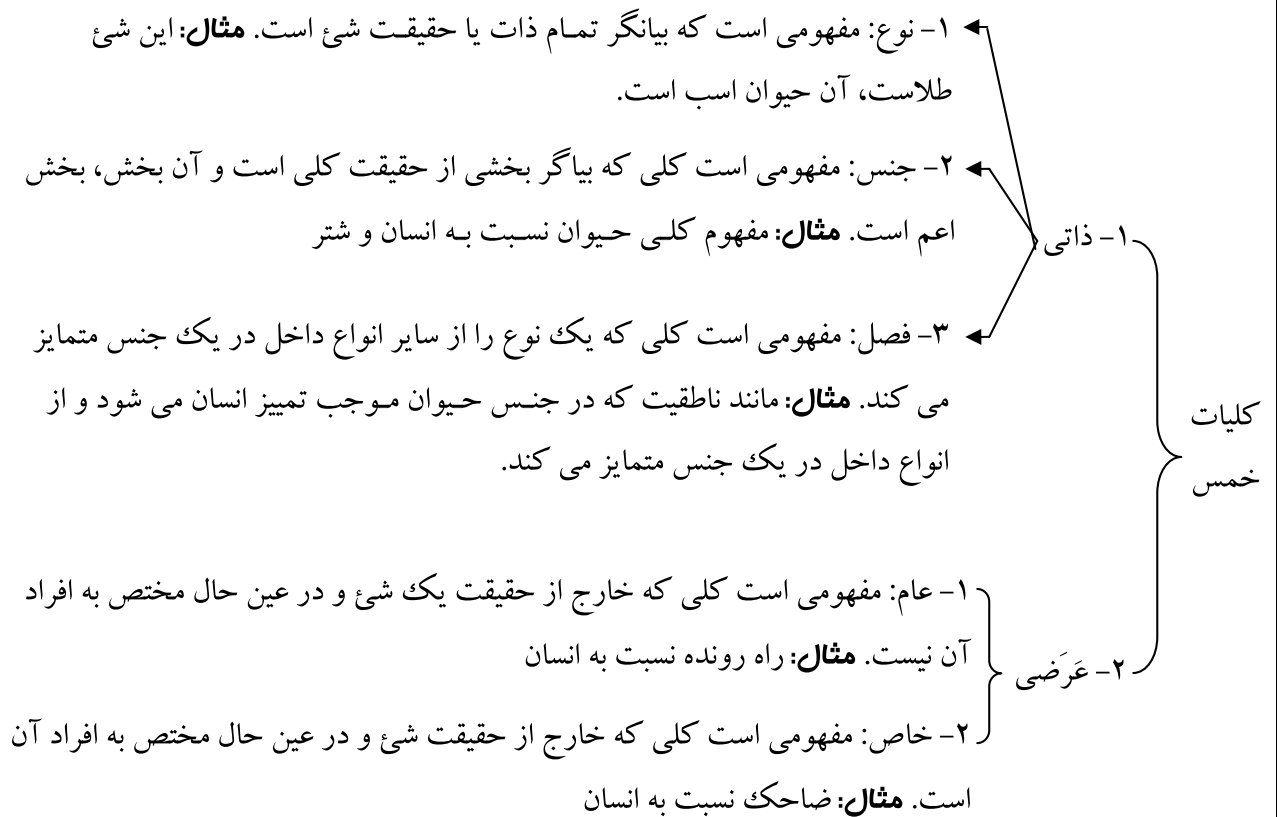
جزئی: مفهومی است که قابل انطباق بر افراد کثیر نباشد و فقط بر یک نفر قابل انطباق باشد. **مثال:** تهران

نکته: کل و جزئی اولاً و بالذات به تصورات بر می گردد و ثانیاً و بالعرض به تصدیقات.



تعاریف نسب اربعه:

- ۱- تساوی: هرگاه افراد دو کلی کاملاً با هم منطبق باشند. **مثال:** انسان - تعجب کننده
- ۲- تباین: هرگاه افراد دو کلی هیچ وجه مشترکی با هم نداشته باشند. **مثال:** انسان - درخت
- ۳- عموم و خصوص مطلق: یکی بر افراد دیگری دلالت می کند و متمم قلمرو دیگری را در بر می گیرد و دیگری این گونه نیست. **مثال:** انسان - حیوان
- ۴- عموم و خصوص من وجه: هرگاه یکی از دو کلی بر بعضی از افراد دیگری دلالت می کند و دیگری هم به همین صورت رابطه آن ها عموم و خصوص من وجه است. **مثال:** انسان - سفید



درس ششم

- ۱- طرز تعریف کردن یک معنی (تصورات).
۲- طرز صحیح اقامه برهان (تصدیقات).
- وظیفه علم منطق

- ۱- تام: اگر در تعریف یک شیء به کنه ذات آن پی ببریم یعنی اجزای ماهیت آن را که عبارتست از اجناس و فصول آن تشخیص بدیم به کاملترین تعاریف دست یافته ایم که به آن «حد تام» گویند.
۲- ناقص: اگر در تعریف یک شیء به بعضی از اجزای ماهیت آن شیء پی ببریم «حد ناقص» گفته می شود.
- حدود

- ۱- تام: اگر ممتاز کردن یک شیء به نحو کمال و تمام باشد به آن «رسم تام» گویند.
۲- ناقص: اگر ممتاز کردن و مشخص کردن یک شیء به نحو تمام و کمال نباشد به آن «رسم ناقص» گویند.
- رسم

قول: الفاظی که در محاورات ما مورد استفاده قرار می گیرد و بوسیله آن ها مقاصدمان را به یکدیگر منتقل می

کنیم «اقوال» نام دارد.

یابه قولی دیگر: «هر لفظی که برای معنی وضع شده باشد و مفید معنی باشد قول خوانده می شود.

- اقسام
- ۱- مفرد
 - ۲- مرکب: اگر دارای دو جزئی باشد و جزئی لفظ بر جزئی معنی دلالت کند.
- ۱- تام: جمله باشد؛ یعنی بیان کننده کامل یک مطلب باشد.
(یصح السکوت علیه)
۲- ناقص: جمله نباشد؛ یعنی بیان کننده کامل یک مطلب نباشد.
«یصح السکوت علیه نیست»

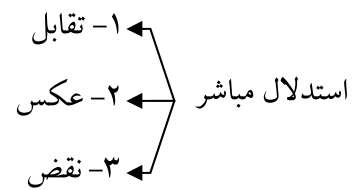
- مرکب تام
- ۱- خبری: مرکبی که از واقعیت خبر می دهد و قابلیت صدق و کذب را دارد.
 - ۲- انشائی: مرکبی که بیان کننده از واقعیت نیست بلکه خود به وجود آورنده معنای جدیدی است.

- الفاظ
- ۱- مهمل: لفظی که فاقد معنی است.
 - ۲- مستعمل: لفظی که دارای معنی است.

قضیه: قول مرکب تام خبری

- ۱- حمليه: ضيه ای که در آن به ثبوت چیزی برای چیزی یا نفی چیزی برای چیزی حکم می کنیم. مثال: زید ایستاده است.
- اقسام قضیه به حسب نسبت حکمیه
- ۱- موضوع
 - ۲- محمول
 - ۳- نسبت حکمیه
- ۲- شرطیه قضیه ای که در آن به وجود یا عدم وجود نسبتی بین دو یا چند قضیه حکم شده باشد. مثال: اگر باران به کوهستان نبارد به سالی دجله گردد خشک رودی

- اقسام قضیه شرطیه
- ۱- متصله: قضیه ای که در آن به اتصال یا عدم اتصال بین دو قضیه حکم شده باشد.
 - ۲- منفصله: قضیه ای که در آن به جدایی یا عدم جدایی مقدم و تالی حکم شده باشد.



اقسام تقابل

۱- تناقض: قضیه ای است که موضوع و محمول در آن یکسان است ولی کمیت و کیفیت متفاوت می باشد.

ویژگی ها: ۱- از دو قضیه متناقض همواره یکی صادق و دیگری کاذب است.

۲- از علم به صدق یکی، کذب دیگری مشخص می شود.

در تناقض وجود هشت وحدت لازم است:

۱- وحدت موضوع **مثال:** گل زیبا است گل زیبا نیست

۲- وحدت محمول **مثال:** جنگل سبز است جنگل سبز نیست

۳- وحدت شرط **مثال:** انسان به شرط کوشش موفق است انسان به شرط کوشش موفق نیست

۴- وحدت اضافه (نسبت) **مثال:** گل کوچک است نسبت به درخت گل کوچک نسبت به درخت

۵- وحدت جزء و کل **مثال:** تمام صحرا سرسبز است تمام صحرا سر سبز نیست.

۶- وحدت قوه و فعل **مثال:** علی پزشک است بالفعل علی پزشک نیست بالفعل

۷- وحدت مکان **مثال:** مومن زندانی است در دنیا مومن زندانی نیست در دنیا

۸- وحدت زمان **مثال:** امروز هوا گرم است امروز هوا گرم نیست

۲- تضاد: هر گاه دو قضیه کلی از نظر موضوع و محمول یکسان ولی یکی موجه و دیگری سالبه باشد به آن

تضاد گویند. **مثال:** هر انسانی حیوان است هیچ انسانی حیوان نیست

ویژگی ها: ۱- ممکن نیست که دو قضیه متضاد هر دو صادق باشند.

۲- ممکن است که دو قضیه متضاد هر دو کاذب باشند.

۳- در صورت علم به صدق هر یک از آن دو کذب دیگری را می توان نتیجه گرفت.

۴- از کذب یکی نمی توان صدق دیگری را نتیجه گرفت.

۳- دخول تحت تضاد: تعریف: هر گاه دو قضیه جزئی از نظر موضوع و محمول یکسان ولی یکی موجب و

دیگری سالبه باشد، دخول تحت تضاد نام می گیرد. **مثال:** بعضی از پرندگان مهاجر هستند بعضی از پرندگان مهاجر نیستند.

ویژگی ها: ۱- اگر یکی کاذب بود حتماً دیگری صادق است.

۲- از صدق یکی نمی توان همواره کذب دیگری را نتیجه گرفت.

«چرا که ممکن است هر دو صادق باشند»

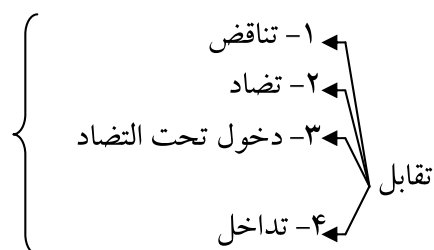
۴- تداخل: هر گاه دو قضیه از نظر موضوع و محمول و کیفیت یکسان ولی یکی کلی و دیگری جزئی باشد، به

آن دو قضیه تداخل گویند.

ویژگی ها: ۱- از صدق کلیه، صدق جزئی و از کذب جزئی، کذب کلیه را می توان نتیجه گرفت

۲- از کذب کلیه، کذب جزئی و از صدق جزئی، صدق کلیه را نمی توان نتیجه گرفت.

قضیه اصل با نتیجه از حیث موضوع و محمول مشترکند؛
ولی به لحاظ کمیت و کیفیت با هم فرق دارند.



عکس: جابه جا کردن دو طرف قضیه به نحوی که اگر قضیه نخست صادق باشد، قضیه عکس، نیز صادق است.

اقسام عکس

۱- عکس مستوی: جابه جا کردن دو طرف یک قضیه بدون تغییر در کیف که اگر قضیه نخست «اصل» صادق

باشد قضیه عکس نیز صادق خواهد بود.

محصولات اربعه	عکس مستوی
موجبه کلیه	موجبه جزئی
موجبه جزئی	موجبه جزئی
سالبه کلیه	سالبه کلیه
سالبه جزئی	ندارد

مثال: هر انسانی حیوان است ← بعضی از حیوانات انسان هستند

بعضی از انسان ها سفید هستند ← بعضی از سفید ها انسان هستند.

هیچ انسانی سنگ نیست ← هیچ سنگی انسان نیست

۲- عکس نقیض: (دو گونه تعریف دارد):

۱- عکس نقیض موافق «قدما»: ابتدا موضوع و محمول را به نقیض خود تبدیل می کنیم سپس با یکدیگر جابه جا

می کنیم، به نحوی که کیف و صدق قضیه اول تغییر نکند.

محصولات اربعه	عکس نقیض موافق
موجبه کلیه	موجبه کلیه
موجبه جزئی	ندارد
سالبه کلیه	سالبه جزئی
سالبه جزئی	سالبه جزئی

مثال:

۱- هر انسانی حیوان است ← هر لا حیوانی انسان است.

۲- هیچ انسانی درخت نیست ← بعضی از لا درخت ها انسان نیستند.

۳- بعضی از انسان ها سفید نیستند ← بعضی از لا سفید ها انسان نیستند.

۲- عکس نقیض مخالف «متأخرین»: قرار دادن نقیض محمول به جای موضوع و قرار دادن خود موضوع به جای

محمول با تغییر کیفیت و بقای صدق قضیه از جهت کمیت.

محصولات اربعه	عکس نقیض مخالف
موجب کلیه	سالبه کلیه
موجب جزئی	ندارد
سالبه کلیه	موجب جزئی
سالبه جزئی	موجب جزئی

مثال:

۱- هر انسانی حیوان است ← هیچ لا حیوانی انسان نیست.

۲- هیچ انسانی درخت نیست ← بعضی از لا درخت ها انسان هستند.

۳- بعضی از انسان ها سفید نیستند ← بعضی از لا سفید ها انسان هستند

استدلال غیر مباشر
۱- استقراء
۲- تمثیل
۳- قیاس

۱- معنای لغوی: تتبع و جستجو
۲- معنای اصطلاحی: ذهن از
۳- قضاای جزئی نتیجه کلی بگیرد.

استقراء
۱- تام: بررسی و مطالعه در مورد تک تک افراد و دادن حکم کلی را استقراء تام گویند.
۲- ناقص: بررسی افراد معدودی از افراد یک مجموعه و دادن حکم کلی را استقراء ناقص گویند.

- ۱- قول: مرکب تام خبری (اگر غیر مرکب یا غیر تام یا غیر خبری باشد، قول نیست.
- نکات قیاس
- ۲- چند قضیه (دو قضیه یا بیشتر) اگر یک قضیه باشد قیاس نخواهد بود.
- ۳- پذیرش: پس اگر در ذهن انسان پذیرفته نشود قیاس نخواهد بود.

- ۱- قیاس اقترانی حملیه: قیاسی است که هر دو مقدمه آن به لحاظ صورت منطقی قضیه حملی باشد.
- ۲- قیاس اقترانی شرطیه: قیاسی است که هر دو مقدمه آن یا یکی به اعتبار ساختار منطقی قضیه شرطی باشد.

مثال: هر انسانی کامل شود، اندیشه اش بارور می شود. هرگاه اندیشه انسان بارور شود، پیشرفت می کند.
پس هرگاه انسان کامل شود، پیشرفت خواهد کرد.

(قضیه فوق از نظر شهید مطهری)

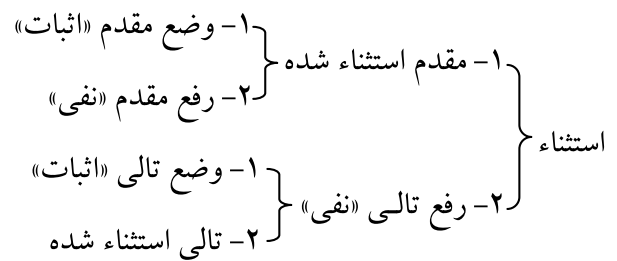
- ۱- تمثیل: از جزئی به جزئی
- ۲- استقراء: از جزئی به کلی
- ۳- قیاس
- استدلال غیر مباشر

- ۱- استثنائی: قیاسی که در آن نتیجه یا نقیض آن به طور کامل در یک مقدمه قرار گیرد. **مثال:** اگر باران ببارد، هوا لطیف می شود؛ لکن باران باریده است، پس هوا لطیف شده است.
- ۲- اقترانی: قیاس که در آن اجزاء نتیجه در مقدمات منتشر بوده و نتیجه به طور کامل در یک مقدمه ذکر نشده است.
- مثال:** حسن انسان است، هر انسانی فانی است، پس حسن فانی است.

قیاس استثنایی

نکته: ۱- مقدمه اول قیاس استثنایی، همواره یک قضیه شرطیه است، خواه قضیه شرطیه متصله باشد و خواه منفصله و مقدمه دوم یک استثناء است.

۲- استثناء به طور کلی به چهار شکل صورت گیرد؛ زیرا ممکن است مقدم استثناء شده باشد یا ممکن است تالی استثناء شده باشد.



قیاس اقترانی

حد اصغر «صغری»: مقدمه ای که مشتمل بر اصغر باشد را صغری گویند که این صغری همان موضوع در نتیجه می باشد.

حد اکبر «کبری»: مقدمه ای که مشتمل بر اکبر باشد را کبری گویند که این همان محمول در نتیجه است.

حد وسط «مشرک»: جزئی است که در هر دو مقدمه تکرار شده است.

نکته: قیاس اقترانی به لحاظ قرار گرفتن حد وسط در صغری و کبری به چهار شکل صورت می گیرد که از این

چهار حالت خارج نیست:

شکل اول

تعریف: حد وسط در صغری محمول و در کبری موضوع می باشد. **مثال:** علی دانشمند است، هر دانشمندی

فرهیخته است، پس علی فرهیخته است.

شرایط: ۱- موجه بودن صغری

۲- کلی بودن کبری

نکته: بهترین شکل بین ۴ شکل قیاس اقترانی شکل اول است زیرا در شکل اول موع و محمول به ترتیب آمده و

منتج هم هست.

نتیجه	مقدمه دوم «کبری»	مقدمه اول «صغری»
منتج است	موجه کلیه	موجه کلیه
عقیم است	موجه جزئی	موجه کلیه

منتج است	سالبه کلیه	موجه کلیه
عقیم است	سالبه جزئیه	موجه کلیه
منتج است	موجه کلیه	موجه جزئیه
عقیم است	موجه جزئیه	موجه جزئیه
منتج است	سالبه کلیه	موجه جزئیه
عقیم است	سالبه جزئیه	موجه جزئیه
عقیم است	موجه کلیه	سالبه کلیه
عقیم است	موجه جزئیه	سالبه کلیه
عقیم است	سالبه کلیه	سالبه کلیه
عقیم است	سالبه جزئیه	سالبه کلیه
عقیم است	موجه کلیه	سالبه جزئیه
عقیم است	موجه جزئیه	سالبه جزئیه
عقیم است	سالبه کلیه	سالبه جزئیه
عقیم است	سالبه جزئیه	سالبه جزئیه

شکل دوم

تعریف: حد وسط در صغری و کبری محمول باشد. **مثال:** بعضی از انسان ها فیلسوف هستند، هیچ جاهلی

فیلسوف نیست، پس بعضی انسان ها فیلسوف نیستند.

شرایط: ۱- اختلاف مقدماتین در کیف

۲- کلی بودن کبری

نتیجه	مقدمه دوم «کبری»	مقدمه اول «صغری»
عقیم است	موجه کلیه	موجه کلیه
عقیم است	موجه جزئیه	موجه کلیه
منتج است	سالبه کلیه	موجه کلیه
عقیم است	سالبه جزئیه	موجه کلیه
عقیم است	موجه کلیه	موجه جزئیه

عقیم است	موجبه جزئی	موجبه جزئی
منتج است	سالبه کلیه	موجبه جزئی
عقیم است	سالبه جزئی	موجبه جزئی
منتج است	موجبه کلیه	سالبه کلیه
عقیم است	موجبه جزئی	سالبه کلیه
عقیم است	سالبه کلیه	سالبه کلیه
عقیم است	سالبه جزئی	سالبه کلیه
منتج است	موجبه کلیه	سالبه جزئی
عقیم است	موجبه جزئی	سالبه جزئی
عقیم است	سالبه کلیه	سالبه جزئی
عقیم است	سالبه جزئی	سالبه جزئی

شکل سوم

تعریف: حد وسط در صغری و کبری موضوع است. **مثال:** هر انسانی حیوان است، بعضی انسان ها متفکر

هستند، پس بعضی از حیوانات متفکرند.

شرایط: ۱- موجبه بودن صغری

۲- کلی بودن یکی از دو مقدمه

نتیجه	مقدمه دوم «کبری»	مقدمه اول «صغری»
عقیم است	موجبه کلیه	موجبه کلیه
عقیم است	موجبه جزئی	موجبه کلیه
منتج است	سالبه کلیه	موجبه کلیه
عقیم است	سالبه جزئی	موجبه کلیه
عقیم است	موجبه کلیه	موجبه جزئی
عقیم است	موجبه جزئی	موجبه جزئی
منتج است	سالبه کلیه	موجبه جزئی
عقیم است	سالبه جزئی	موجبه جزئی

منتج است	موجه کلیه	سالبه کلیه
عقیم است	موجه جزئیه	سالبه کلیه
عقیم است	سالبه کلیه	سالبه کلیه
عقیم است	سالبه جزئیه	سالبه کلیه
منتج است	موجه کلیه	سالبه جزئیه
عقیم است	موجه جزئیه	سالبه جزئیه
عقیم است	سالبه کلیه	سالبه جزئیه
عقیم است	سالبه جزئیه	سالبه جزئیه

شکل چهارم

تعریف: حد وسط در صغری و کبری موضوع است. **مثال:** هر انسانی حیوان است، بعضی انسان ها متفکر

هستند، پس بعضی از حیوانات متفکرند.

شرایط: ۱- اختلاف مقدمتین در کیف

۲- کلی بودن یکی از دو مقدمه

نتیجه	مقدمه دوم «کبری»	مقدمه اول «صغری»
عقیم است	موجه کلیه	موجه کلیه
عقیم است	موجه جزئیه	موجه کلیه
منتج است	سالبه کلیه	موجه کلیه
عقیم است	سالبه جزئیه	موجه کلیه
عقیم است	موجه کلیه	موجه جزئیه
عقیم است	موجه جزئیه	موجه جزئیه
منتج است	سالبه کلیه	موجه جزئیه
عقیم است	سالبه جزئیه	موجه جزئیه
منتج است	موجه کلیه	سالبه کلیه

عقیم است	موجبه جزئی	سالبه کلیه
عقیم است	سالبه کلیه	سالبه کلیه
عقیم است	سالبه جزئی	سالبه کلیه
منتج است	موجبه کلیه	سالبه جزئی
عقیم است	موجبه جزئی	سالبه جزئی
عقیم است	سالبه کلیه	سالبه جزئی
عقیم است	سالبه جزئی	سالبه جزئی

قوانین استنتاج

۱- توجه کردن به موقعیت حد وسط در دو مقدمه تا این که معلوم شود قیاس به لحاظ ساختار منطقی دارای چه

شکلی است.

۲- شرایط انتاج را باید جستجو کنیم.

۳- اگر شرایط شکل انتاج مربوط به آن تحقق داشت برای نتیجه گیری ابتدا حد وسط را حذف کرده و با

باقیمانده مقدمات قضیه ای را تشکیل می دهیم که این قضیه همان نتیجه است.

نکته: نتیجه تابع اخسّ (پست ترین) مقدمتین است از حیث کمّ و کیف بنابراین اگر یکی از دو مقدمه جزئی باشد

نتیجه حتماً جزئی است و اگر یکی از دو مقدمه سالبه باشد نتیجه حتماً سالبه خواهد بود.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.